

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فریبرز سنجرى
۲۵ نومبر ۲۰۲۲

ملاحظاتى درباره جنبش توده ها!

(مصاحبه کانال بذرهاى ماندگار با رفیق فریبرز سنجرى)

پرسشگر: کانال بذرهاى ماندگار: با درود هاى گرم به شنوندگان کانال “بذرهاى ماندگار” کانال تلگرامى چریکهای فدائى خلق ایران.

اکنون بیش از سه هفته از زمانى مى گذرد که شعله هاى آتش خشم فروخته مردم ستمدیده ما، زمین را زیر پای رژیم وابسته به امپریالیسم جمهورى اسلامى به لرزه در آورده است. توده هاى رنجیده ما دست به یک جنبش انقلابى زده اند که در بستر آن نظرات و ایده هاى مختلفى مطرح شده و سئوالاتی را هم به همراه آورده است. برخی از این سئوالات را با رفیق فریبرز سنجرى از مسنولین چریکهای فدایی خلق ایران در میان گذاشتیم تا شنوندگان کانال بذرهاى ماندگار بیشتر در جریان مواضع چریکهای فدائى خلق قرار بگیرند.

پرسشگر: با درود به رفیق سنجرى و با سپاس از این که دعوت ما را برای این گفتگو پذیرفتید. رفیق سنجرى: تشکر از شما که چنین گفتگوهاى را ترتیب مى دهید.

پرسش: رفیق سنجرى همان طور که مى دانید این روز ها انقلابى بزرگ ایران را فرا گرفته و در خیل از شهرهاى ایران ما شاهد حضور زنان و مردانى هستیم که ضمن سر دادن شعارهائى مبنی بر نابودى جمهورى اسلامى، با شجاعت تمام به جنگ با نیروهاى مسلح این رژیم مشغولند. شما در کل، برجستگی هاى انقلاب کنونی را در چه مى بینید؟

پاسخ: بگذارید قبل از هر صحبتى درود بفرستم به زنان و مردانى که با تهور و جسارت واقعا ستایش انگیز بپا خاستند و با شعارهاى رادیکالشان نابودى تمامیت جمهورى اسلامى را فریاد مى زنند. در خیابانهای شهرهاى مختلف فریاد مى زنند. و فریادهای خشمگینانه شان لرزه انداخته به سلطه رژیم دار و شکنجه جمهورى اسلامى. همچنین گرامى بدارم خاطره ژینا (مهسا) امینى را که مرگش در چنگال جنایتکاران حاکم آتش به انبار باروت خشم توده ها زد و نامش با این جنبش بزرگ در آمیخت. همچنین یاد تک تک زنان و مردانى را گرامى مى دارم که جان بر کف وارد کارزار خونین اخیر شدند و با خونشان پرچم انقلاب مردم ستمدیده ما را سرخ تر از همیشه نمودند.

در پاسخ به پرسش شما قبل از هر چیز باید بگویم که خیزش شهریور امسال که تا حالا بیش از سه هفته از آن می گذرد که هنوز ادامه دارد و دانشجویان فریاد می رند که “بهش نگید اعتراض، اسمش شده انقلاب” بر عکس مثلا سال ۸۸، آن خیزش بزرگ سال ۸۸، از همان لحظه اول نابودی جمهوری اسلامی را نشانه گرفته و فریاد می زد. شعار هائی چون “مرگ بر دیکتاتور”، “مرگ بر خامنه ای”، یا “جمهوری اسلامی نمی خواهیم” که در همه جا و در همه شهر ها هم سر داده شد، درست بیانگر همین واقعیت است. در جنبش انقلابی اخیر توده های بیخاسته و از جمله جوانان جسور نشان دادند که تحقق مطالباتشان را در نابودی تمامیت رژیم حاکم می بینند.

اگر مورد دیگری را بخواهم بگویم یکی دیگر از ویژگی های جنبش اخیر سرعت انتشار آن و سرعت سراسری شدنش بود. دیدیم که چگونه تجمعات اعتراضی اولیه در مقابل بیمارستان کسری تهران جائی که ژینا امینی در ۲۵ شهریور در آنجا درگذشت و سفر شهر محل تولد وی با چه سرعتی ابعادی سراسری به خودش گرفت. مهمتر این که برغم همه جنایات و سرکوبگری های نیرو های سرکوب جمهوری اسلامی و وحشیگری هائی که در خیابانها از خودشون بروز دادند از جمله شلیک با تفنگ های ساچمه ای به سوی مردم، خیزش اخیر تداوم یافت و به قول معروف سر باز ایستادن ندارد. یکی دیگر از ویژگی های این جنبش بزرگ حضور وسیع توده های ستمدیده در میدان مبارزه است، توده هائی که جمهوری اسلامی آنها را در قعر مرداب فقر و گرسنگی قرار داده است.

همچنین یکی دیگر از ویژگی این جنبش، حضور جوانان بی باک و جسوری است که در همین جمهوری اسلامی متولدشدن و رشد کرده اند و حال همه ارزش های این رژیم را زیر پا له می کنند و با فریاد هایشان نشان می دهند که برای ایدئولوژی و باورها و تبلیغات جمهوری اسلامی پشیزی ارزش قائل نیستند. بی جهت نیست که مثلا اگر در قیام دیماه ۹۶ شنیده می شد که گاه بخشی از توده ها خشم انقلابی خودشون را با فریاد “الله اکبر” بیان می کردند، در این خیزش شما شعار “الله اکبر” را نمی شنوید. همچنین باید تاکید کنم که در این میان دختران جوان در تقابل با حجاب اجباری رژیم با به آتش کشیدن روسری هایشان حجاب اجباری و گشت ارشاد حافظ آنها را به مسخره گرفته اند و از این لحاظ نقشی بزرگ در این جنبش واقعا دارند ایفا می کنند. گرچه در خیزش های قبلی توسل به قهر انقلابی امری غیر قابل انکار بود اما در خیزش انقلابی اخیر از همان آغاز ما شاهد استفاده جوانان از کوکتل مولوتف بودیم. نگاهی به فیلم های زیادی که از این حرکت انقلابی از شهر های مختلف در شبکه های اجتماعی پخش شده بروشنی نشان می دهد که چطور جوانان با به آتش کشیدن وسایل نقلیه نیرو های سرکوب رعب در دل مزدوران رژیم می اندازند، به کلانتری ها، به فرمانداری ها و دفاتر امام جمعه ها و کلا به همه مراکز سرکوب و ستم حمله می برند. یا می بینیم که مردم ضمن حمله به اراذل و اوباش حکومتی یاران دستگیر شده خودشون را نجات می دهند، امری که نشان می دهد توده های ما از خیزش های قبلی به خوبی درس گرفته اند. یکی دیگر از برجستگی های این خیزش همانا انعکاس وسیع آن در سطح جهانی است. برخلاف قیام های دی ۹۶ و آبان ۹۸ که رسانه های خارجی به هر ترتیب سعی در کتمان شدت و حدت آن قیام ها داشتند، این بار رسانه های خارجی در سطح جهان آن را تا حدی منعکس کردند. در این میان خیزش انقلابی کنونی همبستگی وسیعی را در سراسر جهان به دست آورده است. تقریبا در خیلی از کشورها جدا از تظاهرات های حمایتی ایرانیان شاهد ابراز همبستگی اهالی کشورهای مختلف با انقلاب کنونی مردم ایران هستیم که البته سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی با آن وقاحت ذاتی شان آنها را اغتشاش عده قلیلی فریب خورده جلوه می دهند. برای اینکه فرصت برای پاسخ به بقیه پرسش ها هم باقی بماند فعلا به همین حد اکتفاء می کنم.

پرسش: مرسی از شما. رفیق عزیز شما از نقش زنان و دختران در این انقلاب گفتید با تکیه بر همین واقعیت برخی انقلاب کنونی را “انقلابی زنانه” جلوه می دهند آیا اساساً چنین توصیفی را درست می دانید؟

پاسخ: ببینید. با اینکه نقش بزرگ و پر اهمیت زنان در این خیزش واقعیت غرور آفرینی است و ما اساساً معتقدیم که بدون حضور زنان هیچ جنبش توده ای بزرگی میسر نیست و امکان ندارد و با اینکه برابری حقوق زن و مرد را در راس مطالبات انقلاب قرار می دهیم، اما معتقدیم که انقلاب برپا شده کار همه توده ها است و زنان در هر جامعه ای تنها نیمی از این توده ها را تشکیل می دهند. به همین دلیل هم بر این باوریم که چنین نام گذاری هائی همه واقعیت های جامعه را بیان نمی کند. تازه زنانه خواندن انقلاب ایران، به واقع بر روی نقش مردانی که جان بر کف در کف خیابانها با رژیم در ستیزند سایه می اندازد. اما مهمتر از این حرفها جامعه طبقاتی را باید با طبقات موجود در آن جامعه تقسیم بندی کرد و شناخت نه با جنسیت زن و مرد.

اصولاً طبقات در یک جامعه مشخص در چهارچوب شیوه تولید حاکم حیات پیدا می کنند و همین واقعیت موقعیتشان را در انقلاب آن جامعه مفروض تعیین می کند. برای نمونه در جامعه سرمایه داری حاکم بر ایران این کارگران و اقشار گوناگون خرده بورژوازی هستند که در مقابل سرمایه داران وابسته صف بسته اند و بدون مبارزات آنها اساساً امکان رهائی از نظم ظالمانه موجود مهیا نمی شه، میسر نمیشود. به همین دلیل هم ما امر رهائی زنان را در پیروزی انقلابی می بینیم که تحت رهبری طبقه کارگر بتواند نظام سرمایه داری را نابود کنه و راه رسیدن به جامعه ای عاری از ظلم و ستم که برابری انسانها در آن تضمین شده باشد، را هموار کنه.

از سوی دیگر و مهمتر اینکه چنین نامگذاری هائی مطالبات کارگران و ستمدیدگان را کنار زده و هدف انقلاب را در حد مطالبات زنان محدود می کند. بنابراین با این نام گذاری همیشه توافق داشت و به همین دلیل هم ما با اون توافقی نداریم و معتقدیم که نباید فریب تبلیغات رسانه های غربی را خورد که آگاهانه در خیزشی که می پذیرند و خودشون هم گزارش می دهند که “خود جوش” و “بدون سازمانه” از رهبری زنان و انقلاب زنانه سخن می گویند تا ریشه های طبقاتی این حرکت بزرگ را مخدوش کنند. فکر کنم که تا این حد، پاسخ به سوال شما را داده باشم.

پرسش: بله. مرسی. برغم اینکه در جنبش داخل مردم فریاد می زنند “مرگ بر ستمگر چه شاه باشه چه رهبر” اما در خارج از کشور داریم می بینیم که به اعتبار تبلیغات رسانه های امپریالیستی سلطنت طلبان فعال شده اند و در هر تظاهراتی سعی می کنند با پرچم ها و عکس های خاندان پهلوی خود شون را در حقیقت به بقیه تحمیل کنند. ارزیابی شما از این نیرو و شیوه برخورد با آنها چیست؟

پاسخ: ببینید. سلطنت موضوع ناشناخته ای برای مردم ما نیست. قبل از جمهوری اسلامی نزدیک به ۵۷ سال خاندان پهلوی در ایران سلطنت کرده اند. در تمام این سالها هم تنیدگی سلطنت با قدرتهای امپریالیستی امر آشکاری بوده است. تاکید کنم که در حافظه تاریخی ایرانیان چه کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ (۲۲ فوریه ۱۹۲۱ میلادی) که به قدرت گیری رضا خان میر پنج انجامید و چه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (۱۹ آگوست ۱۹۵۳ میلادی) که محمد رضا شاه را به قدرت برگرداند هر دو توسط امپریالیستها سازمان یافته بودند. اولی توسط انگلستان و دومی توسط آمریکا و انگلستان. به همین دلیل هم کسی در واقعیت آلترناتیو امپریالیستی بودن سلطنت شکی ندارد یعنی نمی تواند داشته باشد اگر نخواهد پا روی واقعیت بگذارد. به خصوص که چند سال پیش اسنادی رو شد که در این اسناد از کمک مالی سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) به رضا پهلوی خبر می داد. به هر حال برای کسانی که دوران شاه را به عینه دیده اند و یا در باره آن (دوران) مطالعه کرده اند در وابستگی سلطنت به امپریالیسم شکی وجود ندارد. با توجه به این واقعیات علت دو باره

فعال شدن سلطنت طلبان هم کاملاً روشن است. چون آمریکا و دیگر قدرتهای امپریالیستی مدتهاست که بر جثه نحیف آنها باد می کنند. تا هر وقت نیاز داشتند بتوانند از آنها استفاده کنند البته نباید فراموش هم کرد که در خود جمهوری اسلامی هم سلاهاست که برای آنها تبلیغ می شود. مثلاً زیبا کلام یکی از مدافعین رژیم جمهوری اسلامی که استاد دانشگاه هم هست در دانشگاه یعنی در کلاسهای درسش همواره از رضا خان قلدر تعریف و تمجید می کرد و یا هنوز هم میکند. اخیراً هم رو شد که این شعار ” رضا شاه روحش شاد ” را سپاه پاسداران در برخی تظاهرات ها اشاعه می داده است. تبلیغ برای آنها-این هم مهمه که من رویش تاکید کنم که- به مفهوم البته بر سر کار آوردن آنها نیست. یعنی این طور نیست که تا اینها یک نیروئی را تبلیغ کردند می خواهند فردا فوری بیاورندش سر کار، چرا که امر انتخاب جایگزین برای جمهوری اسلامی توسط امپریالیستها به شرایط مشخص لحظه سرنگونی این رژیم منوط می شود. امری که البته می توان در جای خودش به آن پرداخت اگر ضرورت داشت باید این کار را کرد. اما به باور ما رشد جریان سلطنت طلبان وابسته است به حد حمایت امپریالیسم آمریکا و شرکایش از این دار و دسته. هر وقت این پشتیبانی بیشتر و زیاد تر می شود حضور این جماعت هم در فعالیتهای خارج کشور فزونی می گیرد و هر زمان الزامات سیاست های امپریالیستها باعث می شود که به آنها کمتر پرداخته شود حضور آنها هم کاهش پیدا می کند. واقعیتی که وابستگی عریان آنها را به امپریالیسم این دشمن خلقهای ما را هر چه بیشتر آشکار می کند. شما اگر نگاهی به برنامه های رسانه هائی چون ”من و تو” و ”ایران اینترنشنال” و یا ”بی بی سی” بیندازید این پشتیبانی را به آشکاری خواهید دید. و اگر به سیاستهائی که تظاهرات اول اکتبر (۹ مهر ۱۴۰۱) در خارج از کشور در شهرهای دهها کشور که در آنجا این تظاهرات ها شکل گرفت هم نگاه کنید می بینید که این تظاهرات توسط سلطنت طلبان شکل نگرفته بود، خود این امر هم نشان می داد که قدرتهای غربی با کارت های مختلفی دارند بازی می کنند.

اما در باره حضور این دار و دسته معلوم الحال که برخی از آنها هنوز به قدرت نرسیده از ضرورت کشتار کمونیستها سخن می گویند باید خیلی روشن هر گونه همکاری با آنها را محکوم کرد. به باور ما کمونیستها اگر می خواهند بر باورها و آرمانهای کمونیستی خودشان پایبند بمانند و اعتماد کارگران و ستمدیدگان را بسوی خود شون جلب کنند مجاز به همکاری با این دار و دسته ضد انقلابی نمی باشند. واقعیت این است که رضا پهلوی هنوز به قدرت نرسیده از ضرورت همکاری با ارتش و سپاه پاسداران سخن می گوید و انکار هم نمی کند که اگر به قدرت برسد برای حفظ قدرت به همین نیرو های سرکوبگر متکی خواهد بود. خوب با توجه به این واقعیت که اینها نه می خواهند نظام سرمایه داری حاکم را دست بزنند و نه به ارگانهای سرکوب موجود کاری دارند و اساساً فرض قدرت گیری دو باره شون هم دخالت امپریالیستها می باشد؛ روشن است که به فرض قدرت گیری آنها چه آینده ای در انتظار ایران و مردم مبارز و ستمدیده آن می باشد. یعنی مردمی که به خاطر رسیدن به کار و نان و مسکن و آزادی بپا خاسته اند با قدرت گیری چنین نیرو هائی به هیچ کدام از خواستههای خود شون نخواهند رسید.

بگذارید همین جا در خاتمه تاکید کنم که برای کمونیستها ماهیت و محتوای رژیم جایگزین اهمیتش از سرنگونی حکومت موجود مهمتر و بیشتره و به همین خاطر هم ما این را باید توجه کنیم که با اینکه ما با همه وجود خواهان نابودی جمهوری اسلامی هستیم اما نمی توانیم نسبت به رژیم جایگزین این دیکتاتوری بی تفاوت باشیم. چون همه بار انقلابی سرنگونی جمهوری اسلامی درست زمانی تحقق پیدا می کند که این سرنگونی به دست کارگران و ستمدیدگان و نه قدرتهای بزرگ و برای جایگزینی دولتی انقلابی که منافع کارگران و ستمدیدگان را برآورده کنه انجام بشود؛ و نه یک رژیم وابسته سرکوبگر دیگر بیاید و قدرت بگیرد و از همان روز اول به چپاول و سرکوب کارگران و ستمدیدگان بطور طبیعی بر خیزد. خوب این معنایش اینه که ما یکبار دیگه شاهد تکرار همان اتفاقاتی خواهیم بود که در انقلاب

سال ۵۷ با دسیسه های امپریالیستها و قدرتهای بزرگ پیش آمد و ۴۳ سال است که مردم ما دارند نتایج آن را با فقر و محرومیت و قتل و جنایت تجربه می کنند.

پرسش: خوب شما همکاری با سلطنت طلبان را جایز نمی شمارید پس با آنهایی که حالا برخلاف نظر ما در خارج از کشور وارد صف تظاهرات علیه جمهوری اسلامی می شوند با آنها باید چه برخوردی کرد؟

پاسخ: ببینید یک وقتی در زمان و مکان مشخصی نیروی سیاسی ای فراخوان تظاهرات می دهد و نیرو های مخالف وی هم در همان زمان و مکان برنامه می گذارند. این وضع خیلی مواقع پیش می آید. برای نمونه در تظاهرات های بزرگ سال ۸۸ در خارج از کشور و در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی ما شاهد این وضع بودیم. اما این به معنای همکاری این نیرو ها با همدیگر نیست. آنچه غیر اصولی است همکاری با نیرو های ضد انقلابی است. باید تا جایی که ما توان داریم از چنین همکاری هائی جلوگیری کرده و مضراتش را برای آینده جنبش انقلابی مردم ایران توضیح بدهیم. تاکید کنم که متأسفانه برخی با تاکید بر ضرورت اتحاد و یا با تکیه بر تز رسوای “همه با هم” تلاش می کنند همکاری خودشان با نیرو های ضد انقلابی را توجیه کنند.

بگذارید این را هم اضافه کنم که هر چه حمایت های قدرتهای غربی از دار و دسته سلطنت طلب بیشتر و آشکار تر بشود حضور آنها وسیع تر و پرخاشجویانه تر خواهد شد و نیروهای سازشکار هم تمایل بیشتری برای همکاری با آنها خواهند داشت. چون احساس می کنند که اینها دارند به قدرت نزدیک تر می شوند. این روزها سلطنت طلبان به اقدامات پرخاشجویانه متعددی متوسل شدند و سعی در ایجاد اغتشاش در بین نیروهای آزادیخواه دارند. برای نمونه در تظاهرات چندی پیش نیروهای مبارز در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در استکهلم سوئد تعدادی از همین سلطنت طلبان برای بقیه مزاحمت ایجاد کردند و حتی میکروفن یکی از سخنرانان را هم شکستند. یا در هانوفر آلمان در یکی دو هفته پیش تلاش کردند با پرچم های خود وارد تظاهرات نیروهای مبارز بشوند که البته به آنها چنین اجازه ای داده نشد. همچنین چند روز پیش در تظاهراتی که در پاریس برگزار شده بود به یکی از تظاهرات کنندگان حمله کردند. گر چه برغم این واقعیتها باز هم کسانی زیر پوشش “همه با هم” همکاری با این مرتجعین را توجیه می کنند که البته امر نادرست و مضری ست برای جنبش ما.

پرسش: شما از تز رسوای “همه با هم” صحبت کردید. لطفاً برای بازدیدکنندگان کانال بذر های ماندگار این تز را اگر ممکنه بیشتر توضیح بدهید؟

پاسخ: حتماً. اتفاقاً فکر می کنم که سوال خیلی خوبییه چون توضیح این تز در شرایط کنونی را ضروری می دانم. به خصوص که خیلی از جوان هائی که امروز در صحنه مبارزه هستند نتایج این تز را و عواقب خیلی بد آنرا در سال ۱۳۵۷ به عینه ندیده اند. این تز در انقلاب مردم ما تاریخ خاص خودش را دارد. به همین دلیل هم بهتره در ابتدا به این تاریخ اشاره کنم. در جریان انقلاب سالهای ۵۶ و ۵۷ وقتی امپریالیستها جهت کنترل مبارزات مردم و اینکه سلطه خودشان را از زیر یورش مردم در بیاورند و نجات بدهند و نظام سرمایه داری را حفظ بکنند، شروع کردند به دفاع از خمینی. به عنوان یکی از آلترناتیو های مورد نظرشون. آن موقع ساواک شاه اجازه داد که عکس بزرگی از خمینی که اگر اشتباه نکنم در روز نامه اطلاعات درج بشود. خمینی در سال ۱۳۴۲ علیه دیکتاتوری شاه حرفهائی زده و تبعید شده بود. برای نسل جوانی که در آن سالها داشت انقلاب می کرد(ناشناخته بود و) اسم او را هم نشنیده بودند. اما به این شکل او را مطرح کردند و کار به جایی کشید که نام خمینی در تظاهرات ها مطرح شد. وقتی بخشی از روحانیت از حمایت

امپریالیستها از خمینی مطمئن شدند طرفداری از وی هم بیشتر شد. بعد، هر چه مبارزات مردم بیشتر ادامه یافت به اعتبار قدرت مالی سرمایه داران داخلی و قدرت تبلیغاتی امپریالیستها مثلا نمونه اش بی بی سی به تدریج طرفداران خمینی هم بیشتر شدند. کم کم حزب الهی ها شکل گرفتند که یکی از شعارهایشان “حزب فقط حزب الله، رهبر فقط روح الله” بود. اینها در آن زمان مبلغ این بودند که شاه دشمن مشترک همه است پس فعلا فقط باید علیه شاه شعار داد و در باره اینکه در آینده قراره چه رژیمی سر کار بیاید و مطالبات مردم چی میشه نباید چیزی گفت تا به قول آنها در وحدت علیه شاه خللی ایجاد نشود.

متأسفانه در آن زمان این تز خیلی هم اشاعه پیدا کرد و هر کجا کمونیستها و آزادیخواهان روی مسائل اساسی انگشت گذاشتند و از مطالبات کارگران و توده های دیگر حرف زدند، با تز “همه با هم” منکوب شدند. به این ترتیب با این تز عملا راه برای سلطه مطلق برنامه های دار و دسته خمینی باز شد. در حالیکه یکی از مسائل هر انقلابی بطور طبیعی روشن شدن زوایای مختلف رژیم جایگزین می باشد با این تبلیغات و برخی فریبکاری ها جلوی این امر گرفته شد. یعنی جلوی روشن شدن محتوای حکومت مورد نظر دار و دسته خمینی گرفته شد و راه انتخاب این دار و دسته در کنفرانس گوادلوپ هموار شد. اتفاقا بر عکس تز “همه با هم” برای مردمی که با یک دیکتاتوری لجام گسیخته درگیرند و با اون دارند می جنگند این خیلی مهمه که ماهیت و محتوی اون رژیمی که قراره جانشین این دیکتاتوری بشه روشن باشه و این تنها در بستر آزادی بحث و انتقاد و الزام هر نیروی در بیان خواسته های واقعی توده ها و ارائه برنامه های خودش بطور علنی بین مردمی که امکان پیدا می کنه؛ تا مردم متوجه بشوند که قراره اگر چیزی بره اون چیزی که قراره جایش بیاید چه خصوصیتی خواهد داشت. نه اینکه مثل دوره رفراندم ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۸ آمدند گفتند بین جمهوری اسلامی و سلطنت انتخاب کنید. زنده یاد شاملو همان سالها مطرح کرد که شما یک قوطی را گذاشتید جلوی مردم به اسم جمهوری اسلامی که هیچ کس نمی داند توش چی هست. حالا می گوئید بین این و اون انتخاب کنید. اون رو که مردم می دانستند چیه و علیه اش انقلاب کردند و انداختند این رو نمی دانند. این وضعی است که پیروی از اون تز در اون مقطع به وجود آورد. متأسفانه با رواج این تز همه حقوق بدیهی مردم ما توسط دار و دسته خمینی پایمال شد و امپریالیست ها و سرمایه داران داخلی توانستند انقلاب مردم ما در سال ۵۷ را به شکست بکشانند. من با توجه به این تجربه از نادرستی تز “همه با هم” و رسوائی آن صحبت کردم. تجربه نشان داده که برنامه های هر نیروی سیاسی باید با روشنی در مقابل دید مردم قرار بگیرد و همه امکان داشته باشند زوایای مختلف این برنامه را به بحث و گفتگو بگذارند.

یک زاویه دیگه هم باید من رویش تکیه کنم، مردم ما باید بدانند که نیرو هائی که برای رسیدن به قدرت چشم به حمایت آمریکا و دیگر قدرتهای امپریالیستی بسته اند اگر روزی هم به قدرت برسند در شرایط سلطه آنها از آزادی و دموکراسی و برابری و رفاه و عدالت اجتماعی خبری نخواهد بود. اتفاقا همین ها هم امروز دوباره مدافع تز “همه با هم” شدند. در اوضاع و احوال کنونی که مردم تو خیابان هستند و تظاهرات می کنند در خارج از کشور هم ما شاهد طرفداری اینها از این تز هستیم. چون خودشون هم می دونند که در برنامه هایشان خواستها و مطالبات مردم بیپایسته هیچ جایی ندارد. بر عکس چنین نیرو هائی- باید تاکید کنم که بر عکس چنین نیرو هائی - چریکهای فدائی خلق ایران و همه کمونیستها با تأکید بر وحدت همه نیروهای درون صف خلق در مبارزه با دشمن، بر این باورند که باید خط و مرزهای هر نیروی مشخص و آزادی برای نقد و برخورد با آنها وجود داشته باشد؛ و نباید به بهانه “وحدت ایرانیان”، زبان دیگران را برید. مهمتر اینکه وحدت در بین نیرو هائی امکان پذیره که در ساختمان رژیم جانشین خواستها و مطالبات کارگران و ستمدیدگان را با صراحت مورد تأیید قرار داده باشند. برای نمونه در شرایطی که سلطنت طلبان با

وقاحت تمام در تظاهراتها و تجمعات خودشون شعار مرگ بر ارتجاع سرخ سر می دهند که تکرار حرف و سخن شاه مزدوره که اون موقع ها هم می گفت “وحدت ارتجاع سرخ و سیاه” چپ ها باید خیلی ساده اندیش باشند که خواهان اتحاد یا همکاری با چنین نیروی مرتجعی باشند که از همین امروز داره ساطور را برای زدن گردن آنها تیز می کنه. فکر کنم که به این سوال تا حدی جواب داده باشم.

پرسشگر کانال بذر های ماندگار: بله مرسی ازتون. رفیق عزیز با تشکر از شما به عنوان آخرین پرسش اگر موردی هست که می خواهید به این بحثها اضافه کنید لطفا بفرمائید؟

پاسخ: قبل از هز چیز متقابلا از شما تشکر می کنم که این امکان را به وجود آوردید تا برخی از مواضع چریکهای فدائی خلق را من دو باره بیان کنم و تکرار کنم. با حرکت های انقلابی بزرگی که در سراسر جامعه جاری است بدون شک مسائل گوناگونی وجود دارد که باید به آنها پرداخت. اما برای جلوگیری از طولانی شدن این بحث که می دانم هر چه طولانی تر بشه در توزیعش مشکل ایجاد میشه پرداختن به بقیه مسائل را موکول می کنم به فرصتی دیگر. با امید به اینکه شعله های آتشی که با خیزش ستمدیدگان و زنان و مردان جوان در ایران جاریه جمهوری اسلامی را به همان جایی بیندازد که شایسته آن است یعنی زباله دان تاریخ. تا راه برای نابودی همه استثمارگران و دشمنان مردم ما هموار بشه، این بحث را تمام می کنم.

پرسشگر کانال بذر های ماندگار: خیلی ممنون . به امید اون روز و خیلی متشکر از حضور شما رفیق فریبرز سنجری. سنجری: پیروز باشید.